

شناسایی نقش مؤلفه‌های طبیعی در ایجاد هویت شهری (نمونه موردی: شهربابک)*

امینه زینلی قطب آبادی** - مربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربابک، کرمان، ایران.

چکیده

در دهه‌های اخیر با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، رشد و توسعه شهرها نیز روندی شتابان به خود گرفته است. شهرسازی و معماری امروز، فارغ از اقلیم، فرهنگ و موقعیت جغرافیایی به صورت یکنواخت و مشابه، در نقاط مختلف، در حال شکل‌گیری است. ایجاد محیط‌های مصنوع و به دور از معنا، کاهش تعاملات اجتماعی، از میان رفتن حس تعلق شهروندی و بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به محیط زندگی‌شان، از جمله پیامدهای کم‌توجهی به ابعاد هویتی شهرها می‌باشد. در این راستا این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های هویت بخش شهربابک انجام گرفته است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، به کمک نرم افزار SPSS و با استفاده از روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و بر این اساس نتایج زیر حاصل گردید. میزان علاقه ساکنین به شهربابک با استفاده از مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار گرفت و در مجموع ۴۵٫۸ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان علاقه خود به شهربابک را زیاد اعلام کرده‌اند که این میزان بسیار بالاتر از حد انتظار بود. در سنجش رابطه میان مدت زمان سکونت و تعلق مکانی ساکنین سطح معناداری sig در آزمون تاو کندیلی برابر با ۰٫۰۰۰ می‌باشد، بنابراین وجود رابطه میان دو متغیر تأیید می‌گردد. از طرف دیگر ضریب همبستگی در آزمون تاو کندیلی برابر با ۰٫۱۹۱، به دست آمد. بدین معنی که براساس این آزمون رابطه بین دو متغیر به صورت مثبت وجود دارد و تقریباً ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی افراد) تحت تأثیر متغیر مستقل (مدت زمان سکونت) قرار دارد. نتایج پژوهش در سنجش اهمیت عناصر هویت‌بخش از دید ساکنین حاکی از آن است که روستای میمند، معادن مس و فیروزه به عنوان مؤلفه هویتی برجسته شهربابک از نظر پاسخ‌دهندگان می‌باشند. به منظور بررسی رابطه تحصیلات افراد در انتخاب عناصر هویتی با توجه به ترتیبی بودن متغیرها از آزمون‌های تاو کندیلی، گاما و دی‌سامرز برای سنجش رابطه استفاده گردید. از آنجا که در هر سه آزمون، سطح معناداری sig به صورت برابر و برای تمامی مؤلفه‌های مورد آزمایش بالاتر از ۰٫۰۵ درصد است؛ فرض صفر تأیید می‌گردد و رابطه‌ای میان تحصیلات افراد و انتخاب عناصر هویت‌بخش وجود ندارد.

واژگان کلیدی: شهربابک، هویت شهری، تعلق مکانی، نظریات هویت مکانی، مؤلفه‌های هویت‌شهری

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان "بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت‌بخش شهری (نمونه موردی: شهربابک)" می‌باشد؛ که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهربابک در تاریخ خردادماه ۹۳ ارائه شده است.

مقدمه

یکسانی و تشابه شهرهای مختلف کشور و کیفیت نامطلوب محیط‌های شهری آنها از جمله مسائل مهمی است که امروزه با آن مواجه هستیم. در گذشته شهرهای سنتی عموماً به آهستگی رشد کرده و از آنجا که تغییرات در بافت آنها تدریجی بوده است؛ نسل‌های پیاپی را به دریافت حس تداوم و پایداری از محیط کالبدی اطرافشان قادر می‌ساخت. اما امروز با پیشرفت سرمایه‌داری و سرعت شهرگرایی، این دریافت از روند توسعه شهر عقب افتاده است. توسعه‌های تکنولوژیکی، نوآوری‌های اجتماعی و اقتصادی و فرآیند جهانی‌شدن، موجب گردیده، گسترش و توسعه شهرها روندی شتابان به خود بگیرد؛ از یک سو شهرها تحت تأثیر مسائل اقتصادی و مالی روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شوند و از سوی دیگر پیوند آنها با طبیعت، گذشته و تاریخشان کم‌رنگ‌تر می‌گردد.

امروزه محیط‌های شهری، تصنعی و به دور از هویت انسانی ارزیابی می‌شوند. شهرها بر اساس هنجارهای ساختگی و نه بر مبنای خواست‌ها و ارزش‌های مردمی شکل می‌گیرند. نابسامانی روزافزون شهرها، علاوه بر مسائل و مشکلات فیزیکی، کالبدی، ترافیکی و... بر روی رفتارهای اجتماعی شهروندان هم مؤثر است. کاهش دلبستگی ساکنین به شهر و عدم تعلق خاطر آنها، منجر به از بین رفتن بسترهای زندگی جمعی و کاهش حضور گروه‌های اجتماعی در سطح شهر می‌شود (حبیبی، ۱۳۷۹، ص ۲۳)؛ این در حالیست که توجه به جایگاه هویت شهری و کاربست آن به صورت علمی می‌تواند بسیاری از مشکلات شهرها را مرتفع سازد و مشارکت مردمی را به ارمغان آورد.

هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند. پس هر چند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد (فکوهی، ۱۳۹۲).

۱. پرسش‌های پژوهش

الف) آیا مدت زمان سکونت ساکنین بر حس تعلق مکانی آنها مؤثر است؟

ب) آیا بین سطح تحصیلات ساکنین و تعیین عناصر هویتی از سوی آنها ارتباط وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه هویت شهرها

می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. پژوهش و مطالعه مصطفی بهزادفر در زمینه هویت شهر تهران که به انتشار کتابی با عنوان "هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران" در سال ۱۳۸۶ انجامید. حمید ماجدی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان "بررسی شهرهای جدید از دیدگاه زیبایی‌شناسی و هویت شهری، نمونه موردی شهر جدید هشتگرد" به این نتیجه رسیده است که در عرصه بصری، ناسازگاری اجزای کالبدی شهر در مقیاس‌های مختلف، باعث ناخوآیی و بی‌هویتی شهر گردیده است. علی‌اصغر رحیم‌یون (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "هویتی‌بخشی به شهر از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی نمونه موردی شهر همدان" بر لزوم الهام و بهره‌گیری از طبیعت در ایجاد هویت در شهر تأکید می‌کند. محمد نقی‌زاده (۱۳۸۴) نیز در کتاب "ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی" به بحث هویت در شهر و رابطه آن با زیبایی‌شناختی پرداخته است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش به دنبال شناسایی مؤلفه‌های هویت بخش شهر بابک و تحلیل و سنجش آنها از دید ساکنین شهر می‌باشد و از آنجا که هدف تحقیق توصیف پدیده‌ها، شناخت بیشتر شرایط موجود و یاری دادن به فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد؛ تحقیق مذکور در زمره تحقیق توصیفی - پیمایشی قرار می‌گیرد. قلمرو پژوهش شهرستان شهر بابک می‌باشد. این شهرستان در شمال غربی استان کرمان، در فاصله ۲۵۶ کیلومتری غرب شهر کرمان و بر سر راه شریان اصلی سیرجان - یزد که بخشی از محور ملی بندرعباس - تهران است، قرار دارد. در این پژوهش متغیرهایی مانند سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، مدت سکونت، محل سکونت و همچنین متغیرهایی مانند: میزان احساس تعلق مکانی ساکنین و وجود مؤلفه‌های هویتی شهر مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

پرسشنامه در مجموع شامل ۳۸ سؤال می‌باشد. ۹ گویه در ارتباط با خصوصیات فردی پاسخ‌دهنده، ۶ گویه در ارتباط با تعلق مکانی ساکنین و ۲۳ گویه در ارتباط با مؤلفه‌های هویت بخش شهر. در مجموع ۱۱ سؤال پرسشنامه به صورت باز-پاسخ و سایر سؤالات به صورت بسته-پاسخ و در طیف لیکرت ارائه شدند. روایی و پایایی پرسشنامه روی ۵۰ پرسشنامه مقدماتی با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ^۱ صورت گرفت و عدد ۰/۷۹۹ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه و همبستگی مناسب سؤالات آن می‌باشد.

به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز درباره افراد جامعه، در مرحله نخست از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید. بدین ترتیب که متناسب با جمعیت تقریبی قسمت‌های مختلف شهر، پرسشنامه‌ها در آن مناطق توزیع گردید. در مرحله بعد با

استفاده از نمونه‌گیری تصادفی جامعه نمونه انتخاب گردید تا از این طریق، به هر یک از افراد جامعه احتمال مساوی داده شود تا در نمونه‌گیری انتخاب شوند.

جامعه نمونه شهر بابک، جمعیت بالای ۱۴ سال شهر در نظر گرفته شده‌اند؛ که بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن، ۴۱۸۷۵ نفر می‌باشند. حجم نمونه مورد نظر بر اساس فرمول کوکران^۲ و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد به ۳۸۰ نفر می‌رسد. ۵۳٫۸ درصد جامعه نمونه را مردان و ۳۶٫۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. پاسخ‌دهندگان در ۴ رده ۲۰-۱۴ سال، ۳۰-۲۱ سال، ۵۰-۳۱ سال و بالاتر از ۵۰ سال تقسیم شده‌اند. ۱۴٫۵ درصد حجم نمونه در رده سنی ۲۰-۱۴ سال، ۲۷٫۲ درصد در رده سنی ۳۰-۲۱ سال، ۳۹٫۸ درصد در رده سنی ۵۰-۳۱ سال و ۱۸٫۵ درصد در رده سنی بالای ۵۰ سال قرار می‌گیرند.

۵۹٫۲ درصد از پاسخ‌دهندگان متأهل و ۴۰٫۸ درصد آنها مجرد می‌باشند. در زمینه مدت زمان سکونت، یک درصد پاسخ‌دهندگان کمتر از ۱۰ سال، ۲۰٫۴ درصد از آنها ۲۰-۱۱ سال، ۴۴٫۶ درصد ۳۰-۲۱ سال و ۳۳٫۹ درصد بیشتر از ۳۰ سال در شهر بابک زندگی می‌کنند. پاسخ‌دهندگان پژوهش بر اساس میزان تحصیلات در ۵ گروه قرار می‌گیرند. ۲٫۳ درصد زیر دیپلم، ۳۰ درصد دیپلم، ۲۹٫۸ درصد کاردانی، ۳۱٫۳ درصد کارشناسی و ۶٫۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند.

۴. مبانی و چارچوب نظری

۴-۱. هویت

هویت از جمله واژگانی است که ابعاد و جنبه‌های مختلف داشته و از این رو تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. در فرهنگ دهخدا آمده است که هویت از لفظ هو گرفته شده که اشاره به غایب است و آن درباره خدای تعالی اشاره است به کنه ذات او به اعتبار اسماء و صفات او. هویت عبارت است از تشخیص گاه بر وجود خارجی اطلاق می‌گردد و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت است از حقیقت جزئیّه (دهخدا، ۱۳۷۲). در فرهنگ معین نیز هویت شخصیت، ذات و حقیقت هر چیز تعریف شده است.

در زبان‌های لاتین واژه "Identity" به عنوان معادل واژه هویت تعریف شده است. ریشه این واژه "Identitas" می‌باشد و از "Idem" یعنی مشابه و یکسان گرفته شده است. این واژه در فرهنگ و بستر به صورت ذیل معنا شده است.

- مشابهت ویژگی کلی یا اساسی در نمونه‌های مختلف.
- مشابهت در همه آن چیزی که بیانگر واقعیت شیء باشد.
- حالتی از همانندی با شیء توصیف شده یا ادعا شده.
- معادله‌ای که برای همه مقادیر نمادها پاسخ دهد (Webster, 1988, p.597).

در مجموع می‌توان چنین استنباط کرد که هویت یک شیء آن

دسته از ویژگی‌های شیء است که آن را از سایر اشیاء متمایز میکند و در این راه اصول و ارزش‌های شکل‌دهنده آن شیء (اعم از جنبه‌های مادی و معنوی اش) را به انسان منتقل می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۳).

۴-۲. تصویر ذهنی

انسان بر مبنای ادراکی که از واقعیت‌ها یا پدیده‌های محیط دارد، یک عینیت را برای خویش تعریف می‌کند. در حالیکه بر اساس تجربیات فردی و جمعی خود از گذشته و حال، دارای تصویر ذهنی از پدیده‌ای که با آن مواجه می‌شود نیز هست. مراد از هویت انطباق عینیت مزبور با تصویر ذهنی آن و امتداد این انطباق در آینده است.

تصویر ذهنی یک فرد تحت تأثیر توان ادراکی، مهارت‌های بازشناسی، شخصیت، ارزش‌ها و فرهنگ وی است. لذا یک تصویر ذهنی تمامی تجربیات محیطی فرد را در برمی‌گیرد و گاه جنبه نمادین به خود گرفته و جزئی از ناخودآگاهی انسان می‌شود. بر این مبنا می‌توان گفت که تصویر ذهنی، حاصل فرآیندی دوجانبه و مستمر بین ناظر و محیط اوست. محیط با مظاهر خاص خود جلوه‌گر می‌شود و رابطه‌ای در ذهن ناظر بین او و تجاربتش به وجود می‌آورد. ناظر پاره‌ای از عوامل ارسالی محیط را انتخاب می‌کند. آنها را در ذهن خود به نظام می‌آورد و بر اساس اندوخته‌های ذهنی‌اش به آن معنی می‌دهد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۵۹).

۴-۳. خاطره جمعی

گرچه زندگی شهرنشین امروز از ما انسان‌ها موجوداتی منزوی ساخته‌است اما نمی‌توان این واقعیت را انکار نمود که بخش بزرگی از هویت و زندگی ما، جمعی و متصل به دیگران است، دیگرانی که حتی نمی‌شناسیم اما با آنها نقاط مشترک بسیار داریم. در واقع ما علاوه بر حافظه فردی خود یک حافظه جمعی نیز داریم که در بردارنده خاطرات، عقاید، ارزش‌ها و باورهای مشترک با دیگران است.

امروز سخن از آن است که می‌توان به شهر، اندیشه‌ای نو تزریق کرد، اندیشه‌ای که اجازه می‌دهد اشیا و چیزهای دوروبر به زندگی شهری وارد شوند و در بازتولید فضای شهری نقش جدی و معناداری بازی کنند و بدین ترتیب ساکن شهر را با فضای شهری و اجزای تشکیل‌دهنده آن درگیر سازند، در خاطره او جای گیرند و او را به خاطره سازی در شهر وادارند، تا شهر و شهروند بتوانند فضایی پر از رمز و راز، معنایی، مبهم، اختیاری و سرشار از انگاره‌ها را شکل دهند که در آن هر چیزی جنبه تمثیلی یابد و بتواند بر چیز یا چیزهای دیگر دلالت کند. شهر مشروط بر این که با چنین اندیشه‌ای سازمان‌دهی مجدد گردد، می‌تواند سبب

شکل‌گیری خاطرات غیرارادی گردد که در ذهن جمعی شهر جای خواهد گرفت (حیبی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۷).

۴-۴. هویت شهری

شهر و عناصر و اجزای آن به عنوان مجموعه‌ای از عناصر خارجی، بر شهروند تأثیر می‌گذارند. تأثیر این عناصر بر فرد منجر به درک و تجربه فضایی فرد از شهر می‌گردد و نهایتاً این تجربه و درک فضایی باعث شکل‌گیری تجربه‌های شخصی، جمعی و خاطرات شهروندی می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت آنچه از آن به عنوان هویت شهری یاد می‌شود عبارت است از فرآیند ایجاد همین احساس میان فرد به عنوان شهروند و شهر و عناصر آن به عنوان عنصر خارجی.

۴-۱. مؤلفه‌های سازنده هویت شهری

ایجاد هویت شهری به مفهوم حفظ ساختار و سازمان مشخصی است که برای افراد مختلف قابل درک و لذت‌بخش باشد. از آنجا که افراد مختلف راه‌های گوناگون برای ایجاد ساختار و سامان دادن به محیط اطرافشان را بکار می‌گیرند؛ بنابراین ساختار یا سازمان مدعی یک محیط شهری و یا یک شهر نباید بسته به واحدی خاص باشد، بلکه می‌بایست عوامل مختلف و مؤثر در این ساختار به صورت لایه‌های مختلف بر روی هم قرار گیرند و در یکدیگر نفوذ کنند تا شبکه و کلیتی بامفهوم و معنی‌دار ایجاد گردد (صبری و مشارزاده مهربانی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۷). شاخص‌ها یا مؤلفه‌های هویت‌شهر، از محتوای شخصیت شهرها برمی‌خیزند و همچون مؤلفه‌های شخصیتی انسان دارای دو بعد عینی و ذهنی هستند که می‌توانند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. متغیرهای هر یک از این مؤلفه‌ها، چنانچه دارای صفت اختصاصی و برجسته باشند؛ نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می‌کنند (بهزادفر، ۱۳۹۰، ص ۵۴). لایه‌های مختلف سازنده هویت شهری که وابسته به حیطه ادراک فردی و تأثیر عوامل مختلف محیطی است؛ در این نوشتار به صورت مؤلفه‌های مختلف معرفی شده‌اند. بدیهی است این مؤلفه‌ها در پاره‌ای از موارد با یکدیگر همپوشانی دارند.

مؤلفه‌های طبیعی

محیط فیزیکی طبیعت، عنصر عمده سازنده فضای شهری است و نخستین بستری است که در آن محیط مصنوع شکل می‌گیرد. مقایسه زیستگاه‌های ساخته‌شده در کوه‌ها و زمین‌های هموار، میان اقلیم‌های سرد و گرم و میان آنها که در حاشیه رود ساخته می‌شوند با آنها که در پای کوه‌ها ساخته می‌شوند؛ نشان خواهد داد که فرم مصنوع می‌تواند بسته به شرایط بستر طبیعی تغییر کند. این تنوع در فرم فیزیکی و کیفیت‌های طبیعی، به نوبه خود

بر کیفیت فضای شهری تأثیر می‌گذارد.

بکارگیری شرایط طبیعی محیط مصنوع، علاوه بر ارتقای ادراکی و زیبایی‌شناختی فضاهای شهری، محیطی سالم به لحاظ اکولوژیکی و جذابیت فضایی فراهم می‌آورد. این موضوع علاوه بر پایداری شهری موجبات پایداری کلی منطقه شهری را فراهم می‌سازد (صبری، مشارزاده مهربانی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۸).

مؤلفه‌های کالبدی

هر شهری از نقطه نظر هویت ساختاری-کالبدی در لایه‌های مختلف زمانی قابل بررسی است. ساز و کارهای سنجش این معرف‌ها شامل عواملی می‌گردد که از گذشته تا امروز بر اجزا و کلیت واحد مصنوع شهر تأثیر می‌گذاشته‌اند.

از جمله مهم‌ترین این عناصر، ساختمان‌هایی هستند که در این محیط‌ها وجود دارند و آنها را احاطه کرده‌اند. نحوه قرارگیری این ساختمان‌ها، ترکیب آنها با یکدیگر، ترکیب ساختمان‌ها با فضاهای همجوار آنها، احجام و جزئیات نماها در مقیاس‌های مختلف عواملی هستند که به عنوان مؤلفه‌های کالبدی بر تعیین و تبیین هویت شهری تأثیر می‌گذارند.

مؤلفه‌های انسانی

مؤلفه‌های انسانی هویت شهری متأثر از نحوه اعمال آداب و رسوم، اعتقادات و سیره و روش زندگی ساکنان هر شهری است و بیش از هر چیز به جنبه‌های مدنی شهروندان برمی‌گردد. سرلوحه این مؤلفه انسانی، لهجه یا زبان آن شهر است که مورد توجه قرار می‌گیرد (بهزادفر، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

مؤلفه‌های تاریخی-مذهبی

مؤلفه‌های تاریخی-مذهبی عموماً شامل مجموعه‌هایی هستند که حفظ و نگهداری و حیات‌بخشی به آنها منجر به استمرار پیام‌های گذشته می‌گردد. ما با استمرار پیام‌های گذشته در پی نگه‌داشتن نوعی شاهد، نمونه یا علامت مشخصه هستیم تا به عنوان نقطه اتکا در شهرهای امروزی بتوان به آنها تکیه کرد. مداخله‌های تاریخی-مذهبی در تبیین هویت شهری تأثیرگذارند و در تأمین نیازهای روانی نیز نقش عمده‌ای دارند؛ زیرا انسان متمدن نیازمند آن است که حس کند به جایی در فضا و زمان تعلق دارد. همچنین مذهب به عنوان اصلی انکارناپذیر همواره در اکثر تمدن‌ها وجود داشته و آثار معماری مذهبی عموماً بخشی از هویت شهر را تشکیل میداده است. زمانی این تأثیر چنان مهم و حیاتی بوده که حتی جهت‌گیری و سازمان فضایی کل شهر تحت تأثیر عنصری مذهبی شکل می‌گرفته و در شهر اسلامی-ایرانی نیز به عنوان عضوی تکرارشونده با صورت‌های مختلف در محله‌ها و بخش‌های اصلی شهر مطرح بوده است.

آنچه که مسلم می‌نماید، این است که پیوند گذشته با آینده، نتیجه‌ای غنی‌تر، پایدارتر و مقرون به صرفه‌تر ایجاد می‌کند که نه تنها به حفظ گذشته می‌انجامد؛ بلکه عامل مهمی در ارتقای کیفیت شهر در آینده به شمار می‌آید. آمیزه خاصی از بناهای تاریخی به مکانی خاص تشخص منحصر به فرد می‌بخشد و آن را از مکان‌های دیگر متمایز می‌سازد و ارزش و اعتباری در خور توجه به آن می‌دهد. بناهایی که از دوره‌های پیش تاکنون بر جای مانده‌اند، حسی غرورانگیز را القا می‌کنند و توجه را به خود معطوف می‌دارند.

مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی

شهرها مفاهیم و کارکردهای بسیار اساسی همچون شهروندی، شهرنشینی، تمدن، سیاست و دموکراسی را آفریده‌اند و می‌بایست مناسب‌ترین جایگاه برای همبستگی جمعی و پیوند اجتماعی و ریشه فرهنگی باشند. از جمله فعالیت‌هایی که هر شهروند در عرصه زندگی به آنها می‌پردازد، فعالیت‌هایی چون گفت‌وگو، هم‌فکری، مشارکت، لذت بردن از محیط، مکاشفه و تحلیل محیط و نظایر آنهاست که نیازمند محیط‌هایی فراتر از محدوده خانوادگی و شغلی و حرفه‌ای است.

به‌هر حال شهروند امروز، به تناسب شعور و آگاهی‌اش و به اعتبار تراکم ارتباطاتش، مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناگزیری دارد که می‌بایست در پهنه شهر به آنها پاسخ داده شود. وی به همین خاطر نیازمند فضایی است که با خرد، انتخاب و آزادی و مسئولیت در آن حضور یابد و در امور جاری اظهار نظر و نقادی کند. چنین عرصه‌ای بدون شک حضور فرایند ویژه‌ای را در فضای شهری ضروری می‌سازد که مستلزم هوشمندی، نوآوری و خلاقیت است و محصول آن ایجاد فضای تعامل است که امروزه به عنوان ابزاری برای تحقق عرصه عمومی در طراحی شهری مطرح است.

در فرایند ایجاد محیطی جدید، یکی از ملزومات برای پیروزی در ایجاد حس وابستگی در جمعیت‌های استفاده کننده از آنها، بررسی نوع درک آنها از محیط و فرهنگ و تفسیر آنان از مکان زندگی‌شان است. می‌توان تفاوت‌های فردی را در قومیت، سن، جنسیت، شیوه زندگی، طول مدت سکونت در یک منطقه و روش جابه‌جایی در شهر یافت که همگی بر شیوه دریافت محیط اثر می‌گذارند (همان، ص ۲۷۲).

مؤلفه‌های عملکردی

شهرها دارای قابلیت‌های بسیاری که با شناخت و تحلیل و تلاش پیگیر می‌توانند به شهری زنده و پویا تبدیل گردند، شهری که خاطره‌ساز باشد؛ نشان روزگار معاصر را داشته باشد؛ با ساکنانش پیوند برقرار کند؛ علایق را افزایش دهد و فضایی برای بودن

تدارک ببیند. شهری با کالبدی با هویت که نشان از زمان و مکان و همچنین جامعه و فرهنگ خود دارد. نیز شهری با سازمان و مراتب کالبدی مشخص که چه در مقیاس خرد و چه در مقیاس کلان، در پی ایجاد حیات که معنی و مفهوم شهروندی است، مجموعه‌ای همگن و منسجم را در نظر داشته باشد. با شناخت کارکردهای نهادهای اجتماعی می‌توان به سازماندهی و بازایی تعادل اجتماعی یاری رساند و از پیدایش بحران و دگرگونی‌های عمیق جلوگیری کرد.

اهمیت یافتن شاخص‌های اجتماعی و معیارهای کیفی در برنامه‌ریزی، واکنشی است در برابر توسعه یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً کالبدی و کارکردی در مقیاس شهری. با چنین نگرشی سرانه‌های شهری در کنار دیگر شاخص‌ها به عنوان راهنمای سنجش و اعتلای کیفیت زندگی بکارگرفته می‌شود و در تقسیمات کالبدی و مشخص شهرها، باعث ایجاد توسعه یکپارچه اقتصادی - اجتماعی خواهد شد.

مؤلفه‌های روانشناختی و ادراکی

مؤلفه‌های روانشناختی و ادراکی شامل مجموعه تعاملاتی است که میان افراد و محیط‌های شهری حاصل می‌آید. این تعاملات گرچه ریشه‌های مختلفی دارند و به کمک ابزارهای متفاوت حاصل می‌گردند؛ اما نتیجه آنها مسئله ادراکی و روانشناختی است و به گفت‌وگوی خلاق میان شهروندان و شهر می‌انجامد. اصولاً تأثیر این مؤلفه‌ها در جهت تأمین نیازهای روانی و ادراکی است و شامل ایجاد تصور ذهنی مناسب از شهر، فرصت خلاق بودن، امکان جهت‌یابی مناسب در شهر، خوانایی، امنیت و رفاه اجتماعی است.

کارکرد مؤلفه‌های روانشناختی و ادراکی در سطح شهر به گونه‌ای است که می‌توان با تعریف نمادها و المان‌های شهری که ویژه همان مؤلفه است احساس غرور و افتخار نسبت به شهر را در شهروندان به وجود آورد. این نمادها می‌توانند جنبه تاریخی، فرهنگی و یا اجتماعی داشته باشند و یا به دلیل تنها فرم خاصشان به عنوان المان شهری مطرح باشند.

نوع دیگر از تأثیر مؤلفه‌های روان شناختی و ادراکی تأثیری است که از تعامل میان افراد با یکدیگر و برخورد چهره به چهره شهروندان به وجود می‌آید. هرچه این برخوردها و تعاملات بیشتر و مناسب‌تر باشد، فضایی که در آنها این برخوردها به وجود می‌آیند؛ دارای معنی و مفهوم قوی‌تری هستند و به بیانی دیگر هویت شهری مناسب‌تری دارند. این فضاها عموماً عرصه‌هایی می‌شوند که در آنها خاطرات جمعی شهروندان شکل می‌گیرد و به یاد می‌ماند. این حس ناشی از تماس‌هایی است که لذت بخش‌اند و موقعیت اشخاص را به عنوان عضوی از جامعه تأیید می‌کنند. این حضور مداوم در فضاها و محیط‌های شهری تأکیدی است

بر وجود حیات شهری و زنده بودن شهر. راهکار کالبدی دستیابی به این حضور مداوم، ایجاد فضاها و محیط‌هایی است که امکان این گردهمایی را به وجود آورند؛ فضاهایی که منظور از ایجاد آنها فراهم آوردن موقعیت‌ها و مجموعه‌هایی برای با هم جوشیدن، مشارکت شهری و اجتماعی و شادمانی و سرور است (همان، ص ۲۷۷).

۴-۵. هویت مکانی

در حالیکه فضا به مثابه گستره‌ای باز و حتی تا حدودی انتزاعی مدنظر قرار می‌گیرد، مکان وجهی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است. به تعبیر هایدگر مکان جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیا است. رابطه میان مکان و انسان دوطرفه است. زیرا کنش و ساخت انسانی معنی را به فضا مترتب می‌سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه شده تبدیل می‌کند و به همین ترتیب مکان می‌تواند بر انسان تأثیر متقابل گذارد؛ چراکه به واسطه معنایش به ارزش‌ها و کنش‌های انسان خط می‌دهد. به همین خاطر هویت مکان بخشی از هویت شخصی است. هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد؛ بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است و در عین حال در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۷۳)؛ چرا که بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد؛ مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. وی هنگامی که راجع به خود فکر می‌کند، خود را متصل به آن مکان می‌داند و آن مکان را بخشی از خود برمی‌شمارد و میان او و آن مکان رابطه‌ای عمیق به وجود می‌آید. چنین رابطه‌ای عمیق‌تر از صرف بودن در آن مکان یا مواجهه با آن مکان است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را به خود همانی با فضا تعبیر کرد (رضازاده، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶).

۴-۶. نظریه‌های هویت مکانی

هارولد پروشانسکی^۲ از جمله نظریه‌پردازانی است که برای نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ به ارتباط هویت با مکان اشاره دارد. وی که اصطلاح هویت مکان "place-identity" را مطرح می‌کند؛ بر این باور است که هویت مکان جنبه دیگری از هویت است که با هویت اجتماعی قابل قیاس است (Lappegard, 2007, p4). از دید او هویت مکانی بخشی از زیرساخت‌های هویت فردی انسان است که از راه تجربیات وی قابل درک می‌باشد و حاصل شناخت‌های عمومی انسان درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می‌کند.

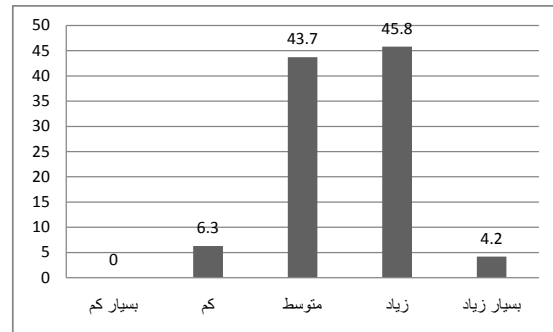
پروشانسکی هویت محیط یا مکان را به عنوان یک نظام شناختی از مکان‌ها و محیط‌های شهری توصیف می‌کند که به فرد کمک

می‌کند رفتار و زندگی خود را در آن سامان دهد و در درون چنین شناخت‌های وابسته به محیط کالبدی است که گذشته محیطی شخص، شامل مکان‌ها و فضاهایی که فرد به نوعی با آن‌ها در ارتباط بوده و در تأمین نیازهای مختلف زیستی، روانی و اجتماعی او نقش داشته‌اند، اهمیت پیدا می‌کند (دانشپور، ۱۳۸۳، ص ۶۵). در پایگاه فلسفی کریستیان نوربرگ شولتز^۳، انسان‌ها هر چند خود بخشی از جهان را تشکیل می‌دهند؛ اما همواره به تعریف موقعیت خود در ارتباط با آنچه در دنیای پیرامونشان وجود دارد می‌پردازند یا به عبارتی همواره احراز هویت می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴). این احراز هویت هرگز از زندگی روزمره جدا نبوده و عبارت است از برقراری پیوندی سرشار از معنا با جهانی متشکل از "چیز"ها.

شولتز تأکید می‌کند که امروزه مکان‌ها اغلب کیفیت پایینی برای شناسایی ارائه می‌دهند و مردم اغلب نسبت به محیط اطرفشان آگاه نیستند. در این ارتباط نوربرگ شولتز از یک بحران محیطی صحبت می‌کند به این معنا که رابطه بین انسان‌ها و هویت مکان از دست رفته است (Van Nes, 2012, para.9).

ادوارد رلف^۴ در تعریف هویت مکان به این نکته اشاره می‌کند که مفهوم هویت در زندگی روزمره، مفهومی اساسی است و در این ارتباط از گفته هایدگر کمک می‌گیرد که ما در همه جا و به هر صورت، با انواع و اقسام وجود سروکار داریم و هویت نشان‌دهنده این موضوع است. وی معتقد است؛ هویت پدیده‌ای است که از تعریف ساده طفره می‌رود، گرچه برخی از مشخصه‌های اصلیش هویداست. هویت هم مبتنی بر شخص یا شیء منفرد و هم فرهنگی است که بدان متعلقند. هویت ایستا و دگرگون‌پذیر نیست بلکه به موازات تغییر شرایط و نگرش‌ها عوض می‌شود (رلف، ۱۳۸۹، ص ۶۰). رلف همچنین در تعریف مفهوم هویت مکان به سخن یان نایرن اشاره می‌کند که معتقد بود به شمار آدم‌ها برای مکان‌ها هویت وجود دارد؛ چرا که هویت به همان اندازه که در نمود کالبدی شهر یا منظره‌های آن وجود دارد؛ به تجربه، چشم، ذهن و قصد و نیت ناظر نیز وابسته است. اما هنگامیکه هر فرد بخواهد به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، به مکان خاصی هویت بخشد، این هویت‌های فردی به هر حال ترکیب شده و یک هویت مشترک را تشکیل می‌دهند (پاکزاد، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴).

پس از نگاه کالبدگرایانه که در شهرسازی مدرن جایگاه خاصی یافته بود؛ کوین لینچ^۵ را شاید بتوان از سردمداران اندیشمندانی دانست که توجه به معنا را در شهر، سرلوحه کار خود قرار دادند. «ملاحظه محیط‌شهری به عنوان موجودیتی سرشار از معنی» (یاراحمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۶). لینچ به این نتیجه می‌رسد که خلق محیط‌هایی با «وضوح یا خوانایی آشکار چشم‌انداز شهری» باید نقطه توجه مهمی باشد. بنابراین شهرهایی که در آنها پنج عنصر



نمودار ۱: توزیع فراوانی متغیر تعلق مکانی ساکنین (نگارنده)

و موارد مشابه ذکر کردند و ۳۶,۴ درصد دلایل دیگری همچون آرامش، دسترسی آسان و... ذکر کردند. در این میان برخلاف تصور نوع بافت محل سکونت بر اساس قدیم یا جدید تأثیری در تعلق خاطر افراد نداشته است؛ شاید به این دلیل که با ساخت و سازها و خیابان‌کشی‌های جدید؛ عملاً مفهوم محله به معنای گذشته آن از بین رفته است.

سنجش رابطه میان مدت زمان سکونت و تعلق مکانی ساکنین

از آنجا که هر دو متغیر مدت سکونت افراد و تعلق مکانی آنها به صورت سؤال بسته چند گزینه‌ای مطرح شده‌اند، این متغیرها از نوع رتبه‌ای می‌باشد. مدت سکونت افراد متغیر مستقل و تعلق مکانی آنها متغیر وابسته می‌باشد. رابطه میان متغیرها با استفاده از آزمون تاوکندالیبی^۷، گاما^۸ و آزمون دی سامرز^۹ مورد ارزیابی قرار گرفت. از آنجا که سطح معناداری sig در هر سه آزمون برابر با ۰,۰۰۰ می‌باشد و این مقدار از سطح معنی‌داری تحقیق ۰,۰۵ کمتر است، فرض صفر رد و وجود رابطه میان دو متغیر تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی در آزمون تاوکندالیبی برابر با ۰,۱۹۱، در آزمون گاما ۰,۲۵۴ و در آزمون دی سامرز ۰,۱۷۰ به دست آمده است. بدین معنی که بر اساس آزمون تاوکندالیبی رابطه بین دو متغیر به صورت مثبت وجود دارد. بدین ترتیب که تقریباً ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی افراد) تحت تأثیر متغیر مستقل (مدت زمان سکونت) قرار دارد.

سنجش رابطه میان تحصیلات و تعلق مکانی ساکنین

در این فرضیه متغیر مستقل و وابسته به ترتیب تحصیلات و تعلق مکانی ساکنین می‌باشند. از آنجا که هر دو این متغیرها از نوع رتبه‌ای می‌باشند؛ جهت سنجش رابطه میان متغیرها از آزمون تاوکندالیبی استفاده شد. در این حالت سطح معناداری sig برابر با ۰,۲۱۵ می‌باشد که بالاتر از سطح معنی‌داری پیش فرض است. در نتیجه بر خلاف تصور رابطه‌ای میان تحصیلات و تعلق مکانی ساکنین وجود ندارد.

۱-۵. شناسایی مؤلفه‌های هویت بخش شهر بایک

به منظور شناسایی مؤلفه‌های هویت بخش شهر بایک و سنجش میزان اهمیت آنها از دید ساکنین، در مرحله اول ۱۹ مؤلفه که می‌توانستند به نوعی در هویت شهر بایک مؤثر باشند - فارغ از تأثیرگذاری فعلی آنها- بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، مشورت با متخصصان و مشاهده و مصاحبه در نظر گرفته شدند. سعی بر آن بوده که در تعیین این مؤلفه‌ها هر دو بعد عینی و ذهنی شهر در نظر گرفته شود و به صورت بالقوه و یا بالفعل سازنده شخصیت

(راه، لبه، محله، گره و نشانه) خوانایی آشکار داشتند، ارائه‌دهنده حظ بصری بیشتر، امنیت احساسی و ژرفنای افزایش‌یافته بالقوه و تراکم تجربه انسانی بودند (مدنی پور، ۱۳۷۹، ص ۹۹). قدرت نسبی و غنای این پنج عنصر فضایی، هماهنگی و صفات ممتاز به شهر می‌بخشد. شهرهای دارای عناصر قوی، ممکن است علیرغم فرسودگی و خرابی، محیط‌های جذبی برای زندگی باشند (هاگت، ۱۳۷۹، ص ۲۳۴).

علاوه بر آن کوین لینچ، به تدوین یک نظریه هنجاری جدید در مورد شکل شهر می‌پردازد. یعنی معرفی خصوصاتی که یک سکونتگاه انسانی خوب باید دارا باشد. وی برای این منظور پنج محور عملکردی مرتبط یعنی «سرزندگی»، «معنی»، «تناسب»، «دسترسی» و «نظارت و اختیار» و همچنین دو «فوق معیار» یعنی «کارایی» و «عدالت» را ارائه می‌دهد. معنی یک سکونتگاه از نظر وی، وضوح در درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزاء آن با سایر رویدادها و مکان‌ها در یک تجلی منسجم ذهنی از زمان و مکان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌هاست. ساده‌ترین شکل معنی به مفهوم محدود این واژه کلی، هویت است. هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید. بطوری که شخصیتی مشخص، بی نظیر یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴).

۵. بحث و تحلیل یافته‌ها

سؤالات مطرح‌شده در ارتباط با میزان علاقه ساکنین به شهر بایک با استفاده از مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار گرفتند و در مجموع ۶,۳ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان علاقه خود به شهر بایک را کم، ۴۳,۷ درصد علاقه خود را متوسط، ۴۵,۸ درصد زیاد و ۴,۲ درصد خیلی زیاد اعلام کرده‌اند. میزان علاقه ساکنین بسیار بالاتر از حد انتظار بود (نمودار ۱).

از پاسخ‌دهندگانی که در بیش از یک منطقه از شهر ساکن بودند؛ سؤال مبنی بر اینکه "احساس تعلق خاطر شما به کدامیک از مناطقی که در آن زندگی کرده‌اید بیشتر است؟" پرسیده شد. در مجموع ۶۳,۶ درصد، دلیل علاقه خود را خاطرات دوران کودکی

شهریابک باشند. این مؤلفه‌ها به شرح ذیل می‌باشند.

مؤلفه‌های طبیعی شهریابک

شهریابک به لحاظ پوشش گیاهی، نوع خاک و سازوکارها، واجد شاخص یا ملاک برجسته‌ای جهت تمایز آن از سایر شهرها نیست. در میان مؤلفه‌های طبیعی موجود در سطح شهر، بارزترین آنها رودخانه خشک شهر می‌باشد. این رودخانه از زمین‌های هموار شمال شهر آغاز و در زمین‌های کویری جنوب شهر ناپدید می‌شود. از آنجا که این رودخانه در مرکز شهر قرار گرفته و به صورت شمالی- جنوبی سرتاسر عرض شهر را طی می‌کند؛ در ساختار شهر نقش مهمی ایفا می‌کند.

در محدوده بافت پر و نیمه پر شهریابک تعداد انگشت شماری تپه نه چندان بلند دیده می‌شود که تل سیاه و تل مصلی از برجسته‌ترین آنها می‌باشد. تل سیاه در قسمت شرقی شهر و در نزدیکی ورودی شهریابک از سمت سیرجان قرار دارد و تل مصلی در محدوده غربی شهر واقع شده است. از دیگر مؤلفه‌های طبیعی موجود در شهریابک می‌توان به قلعه‌سنگ اشاره کرد. این قلعه که در واقع یک تپه سنگی است، تقریباً در قسمت مرکزی شهر قرار دارد.

الگوی اصلی بافت شهری شهریابک، الگوی ساخت و ساز باغشهر روستایی سنتی است که در آن بافت شهر در چارچوب مرزبندی زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها شکل گرفته است و واحدهای مسکونی به شکل نیمه پیوسته در لابه لای این اراضی قرار دارند. بدیهی است که این الگو در راستای زمان دچار تحوّل شده و با گذشت زمان تغییر شکل می‌دهد. رفته‌رفته بر میزان سطوح ساخته شده افزوده شده، بافت منسجم‌تر و فشرده‌تر می‌شود و در مقابل، سطوح سبز باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی کاهش یافته و به مناطق حاشیه‌ای بافت رانده می‌شود (مهندسین مشاور شامند، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶). با این وجود در حال حاضر می‌توان از باغشهر بودن شهریابک به عنوان یکی از مؤلفه‌های طبیعی هویت شهر یاد کرد. قنات‌های شهریابک نیز در زمره مؤلفه‌های طبیعی شهر قرار می‌گیرند که متأسفانه امروزه چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. شهریابک از لحاظ کشاورزی از زمان‌های قدیم منطقه‌ای پررونق بوده است، مهمترین محصول کشاورزی آن گندم، جو و پنبه بوده که به منظور مصرف روزانه مردم تولید می‌شده است. علاوه بر غلات پسته، بادام و انگور شهریابک شهرت داشته است. در حال حاضر کشاورزی در شهریابک به علت خشکسالی، تخریب و خشک شدن قنات‌ها، نبودن یک برنامه مدون و جامع جهت حمایت از بخش کشاورزی و تغییر کاربری زمین‌های مرغوب کشاورزی رونق گذشته خود را از دست داده است ولی با این وجود هنوز حرف‌هایی برای گفتن دارد.

مؤلفه‌های طبیعی یاد شده در حقیقت عناصری در سطح شهر

هستند که واجد پتانسیل مؤثر و قابل توجهی در هویت شهریابک هستند؛ هر چند که شاید امروزه نقش مهمی ایفا نکنند.

اما در خارج از شهر، مؤلفه‌های طبیعی برجسته و شاخصی دیده می‌شود که در حال حاضر جاذبه گردشگری و تفریحی و مکانی جهت گذران اوقات فراغت ساکنین شهر محسوب می‌شوند. مهم‌ترین آنها به خاطر داشتن ویژگی منحصر به فرد طبیعی ریگ سفید، غاریوب و دشت ریواس می‌باشند.

ریگ سفید در جنوب شهریابک، دشت کویری با وسعت تقریبی ده الی پانزده هزار کیلومتر مربع است که سطح بیابان‌های آن پوشیده از ماسه‌های سفید رنگ می‌باشد به همین جهت هم آن را ریگ سفید نامیده‌اند. این دشت سفید یکی از منابع عمده اقتصادی شهریابک محسوب می‌شود، چون بزرگترین مرتع دامپروری آن در بهار و تابستان به شمار می‌آید و در جنوب آن دو منبع نمک وجود دارد که در گذشته برای مردم محلی منبع درآمدی بوده است (عزیزی، ۱۳۸۳، ص ۴۴۴).

ایوب نام غاری است که نقش زیارتگاهی دارد و در کوهی به همین نام در ۷ کیلومتری جنوب شهر دهج، از توابع شهرستان شهریابک، واقع شده است. منشأ این غار گدازه‌های آتشفشانی است. کوه ایوب با ارتفاع حدود ۳۳۶۸ متر در منطقه کوهستانی دهج که جز کوه‌های رشته مرکزی ایران است قرار دارد. دهانه بسیار بزرگ غار (حدود ۶۰ متر در ۸۰ متر) در نیمه‌های کوه در ارتفاعی بالا قرار دارد.

دشت ریواس شهریابک با وسعت ۲۴۰۰ هکتار بزرگترین دشت ریواس کشور است که در شمال شهرستان شهریابک و در فاصله ۲۰ کیلومتری این شهرستان واقع شده است. این دشت در زمان



تصویر ۱: دشت ریواس شهریابک (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳)

گل‌دهی که اوایل اردیبهشت تا اواسط این ماه است کاملاً به رنگ قرمز در می‌آید.

در منطقه شهریابک معادن متعددی وجود دارد که عظیم‌ترین آنها معدن مس میدوک است که در شمال غربی این شهر و به فاصله ۳۰ کیلومتری از آن قرار دارد. مجتمع مس میدوک از مراکز مهم



تصویر ۲: روستای صخره‌ای میمند (معصومی، ۱۳۸۵)

شهریابک محسوب می‌شوند. این بنا که در شمال شهر و در نزدیکی محله رمجرد قرار دارد، یکی از بناهای باستانی شهر است که توسط حکمرانان اسماعیلیه ساخته شده و روزگاری به خلوت آقا به مناسبت انتساب به آقاخان معروف بوده است. گرداگرد این بنای تاریخی برای جلوگیری از نفوذ دشمن به داخل آن خندق بزرگی بوده که هنوز آثار آن مشهود است.

اما آنچه امروزه از این بنا باقی مانده یک سردر ورودی از خشت خام است که در وسط حیاط کوچک آن ستون چندضلعی قرار دارد و در شمال آن نیز چند صَفَه و در مشرق آن مسجدی ساخته شده از خشت و آجر با دو ایوان قرار گرفته است که حکایت از بنای قدیمی آن می‌کند (عزیزی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۰).

مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی

با وجود اهمیتی که حفظ آداب و رسوم و سنت‌های هر شهر در فرهنگ و هویت آن شهر ایفا می‌کند، متأسفانه زندگی مدرن امروزی موجب کمرنگ شدن این سنت‌ها و در بسیاری از موارد فراموشی آنها شده است. در شهریابک نیز به ندرت می‌توان به رسم و سنت خاصی که مختص آن باشد؛ اشاره کرد. با این حال مراسم عزاداری محرم به دلیل اهمیت آن برای ساکنین شهر به عنوان مؤلفه اجتماعی- فرهنگی در نظر گرفته شده است.

تولیدات محلی شهریابک مانند اسپار، نون کرنون، پنیر محلی و... از آنجا که سوغات شهریابک نیز محسوب می‌شوند، در فهرست مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی شهریابک قرار می‌گیرند.

از دیگر مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی شهریابک می‌توان به صنایع دستی آن مانند سفال، قالی و قالیچه، نمد و... اشاره کرد. هر چند امروزه این بعد فرهنگی نیز رو به فراموشی است.

برگزاری جشنواره‌ها و مراسم فرهنگی از جمله فعالیت‌هایی است که در سال‌های اخیر به همت نهادهای ذی‌ربط صورت گرفته است. این گونه مراسم که با استقبال فراوان مردم شهریابک نیز همراه است؛ از اهمیت خاصی برخوردارند. از یک سو در تقویت پیوند مردم با فرهنگ و گذشته‌شان نقش دارند و از سوی دیگر

صنعتی و معدنی شهرستان به‌شمار می‌آید و باعث ایجاد اشتغال و تغییر چهره شهرستان و منطقه گردیده است. دیگر از معادن معروف این منطقه معدن فیروزه است که در حوالی قریه‌ای به نام دغند قرار دارد و در گذشته معروفیت بسیاری داشته و آثار و متون تاریخی از آن نام برده‌اند (عزیزی، ۱۳۸۳، ص ۴۵۱). این معادن به دلیل نقشی که در اشتغال و زندگی مردم شهریابک دارند؛ به لحاظ هویتی نیز جزء مؤلفه‌های طبیعی- اقتصادی شهر قرار می‌گیرند.

از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاریخی شهریابک می‌توان به روستای میمند اشاره کرد. این روستا در فاصله ۳۶ کیلومتری شمال شرق شهریابک در استان کرمان واقع شده است. روستای میمند در فصل مشترک دو تپه اصلی با شیبی نسبتاً تند که ارتفاع متوسط آن حدود ۸۰ متر است قرار دارد. مقطع طولی روستا شکلی شبیه

به حرف (V) انگلیسی با دهانه نسبتاً باز دارد (شکل ۳). عرض دهانه بین ۸۰ تا ۲۰۰ متر متغیر است. سکونتگاه‌های روستاییان به صورت حفره‌هایی در بدنه‌های شیبدار این تپه‌ها قرار گرفته‌اند. روستای تاریخی میمند با بیش از ۴۰۰ واحد مسکونی دستکند و ۱۵۰ اتاق، مجموعه‌ای از معماری دستکند را به وجود آورده که به واسطه کمی دخالت‌ها و ساخت و سازهای جدید، در نوع خود جز مجموعه‌های کم‌نظیر معماری باشد (خناچی، ۱۳۸۶، ص ۵۴).

از دیگر عناصر تاریخی شهریابک می‌توان به عمارت موسی خانی اشاره کرد که در دوره موسی خان سال ۱۲۷۰ ه.ق. ساخت آن به پایان رسیده است. این بنای باشکوه به همراه باغ آن هفت هزار مترمربع مساحت دارد. زیربنای ساختمان در دو طبقه، ۲۳۰۰ مترمربع است. عمارت موسی خانی، با شصت اتاق کوچک و بزرگ در دو بخش ساخته شده؛ بخش اصلی ساختمان در سمت شمال (زمستانی)، غرب (چهارفصل) و جنوب (تابستانی) با حیاط آجر فرش و حوض بزرگ ۱۸*۵ متری در وسط، با سنگ‌های مخصوص لبه‌دار فرش شده است (حسینی موسی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶).

مسجد و حسینیه شهر نیز از جمله مؤلفه‌های تاریخی- مذهبی

امکان ارتباط مردم با یکدیگر، تعامل و گفت و گو را فراهم می‌آورند.

۵-۲. ارزیابی دیدگاه ساکنین در ارتباط با مؤلفه‌های هویتی شهر بایک

بعد از شناسایی مؤلفه‌های هویت‌بخش، جهت ارزیابی دیدگاه ساکنین در ارتباط با این عناصر، اهمیت آنها در ۵ رتبه بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد مورد سنجش قرار گرفت. این عناصر به صورت تصادفی و بدون ترتیب خاصی در یک جدول قرار گرفتند. برای تحلیل آماری به هر یک از پاسخ‌ها بر اساس گزینه‌های موجود عدد ۱ تا ۵ قرار گرفت، میانگین دیدگاه پاسخ دهندگان به شرح ذیل می‌باشد.

همانطور که نمودار نشان می‌دهد، پایین‌ترین درصد به ترتیب به رودخانه شهر، تل سیاه و تل مصلی اختصاص دارد و روستای میمند، معادن مس و معادن فیروزه در بالاترین رده قرار دارند.

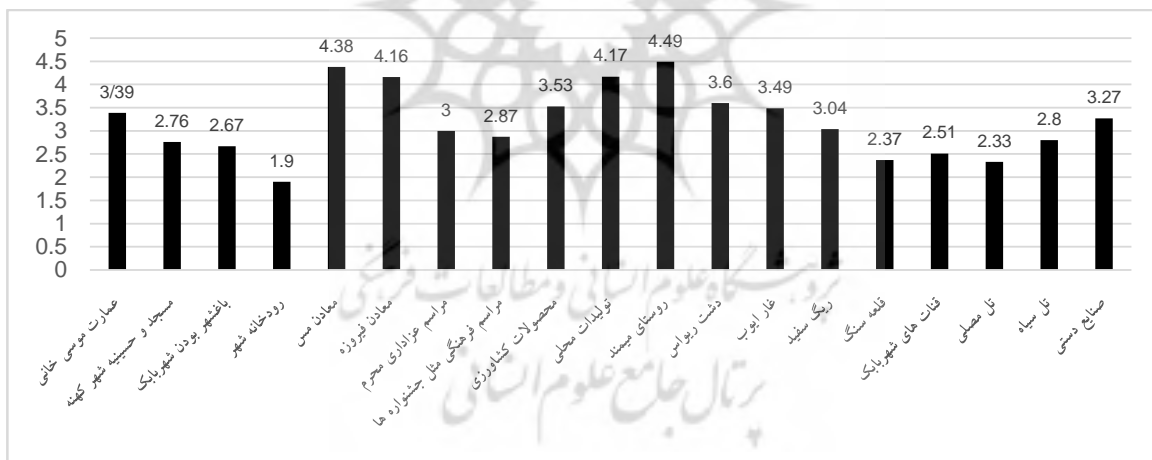
ارزیابی رابطه میان جنسیت ساکنین و اولویت بخشی به مؤلفه‌های هویتی

از آنجا که متغیر جنسیت از نوع اسمی و متغیر اهمیت عناصر هویتی از نوع رتبه‌ای می‌باشد؛ جهت سنجش رابطه میان آنها

ضریب همبستگی لامبدا^۱ بکار برده شده است. سطح معناداری متغیر جنسیت و ۶ مؤلفه هویتی (روستای میمند، معادن مس، معادن فیروزه، رودخانه شهر، تل سیاه و تل مصلی) به صورت زیر حاصل شده است. همانطور که مشاهده می‌گردد، سطح معناداری رابطه متغیر جنسیت و عناصر هویتی در تمام موارد بالاتر از سطح معناداری پیش فرض ۰.۰۵ می‌باشد. از این رو رابطه‌ای میان متغیرها وجود ندارد.

ارزیابی رابطه میان تحصیلات ساکنین و اولویت بخشی به مؤلفه‌های هویتی

به منظور بررسی رابطه تحصیلات افراد در انتخاب عناصر هویتی آزمون بر روی سه مؤلفه هویتی که بیشترین اهمیت را از دید ساکنین دارا هستند یعنی روستای میمند، معادن مس و معادن فیروزه و سه مؤلفه هویتی با کمترین اهمیت یعنی رودخانه شهر، تل سیاه و تل مصلی صورت می‌گیرد. از آنجا که متغیرها در این آزمون از نوع ترتیبی هستند؛ بنابراین از آزمون‌های تاوکندال بی، گاما و دی سامرز برای سنجش رابطه استفاده شده است. سطح معناداری sig در مورد رابطه تحصیلات با مؤلفه‌های هویتی به صورت زیر برآورد شده است. همانطور که ملاحظه می‌گردد؛ از آنجا که در هر سه آزمون، سطح



نمودار ۲: توزیع فراوانی مؤلفه‌های هویتی از دیدگاه ساکنین (نگارنده)

جدول ۱: سطح معناداری رابطه متغیرهای مؤلفه‌های هویتی و جنسیت بر اساس آزمون ضریب همبستگی لامبدا (نگارنده)

سطح معناداری	تل مصلی	تل سیاه	رودخانه شهر	معادن فیروزه	معادن مس	روستای میمند
ضریب همبستگی لامبدا	۰.۷۰۵	۰.۷۶۳	۰.۹۳۹	۰.۵۶۲	۰.۱۴۸	۰.۱۴۹

جدول ۲: سطح معناداری رابطه متغیرهای مؤلفه‌های هویتی و تحصیلات ساکنین بر اساس آزمون تاوکندال بی، گاما و دی سامرز (نگارنده)

نوع آزمون	سطح معناداری	تل مصلی	تل سیاه	رودخانه شهر	معادن فیروزه	معادن مس	روستای میمند
تاوکندال بی	sig	۰.۱۰۳	۰.۷۳۲	۰.۹۴۳	۰.۴۶۷	۰.۱۳۷	۰.۹۲۸
گاما		۰.۱۰۳	۰.۷۳۲	۰.۹۴۳	۰.۴۶۷	۰.۱۳۷	۰.۹۲۸
دی سامرز		۰.۱۰۳	۰.۷۳۲	۰.۹۴۳	۰.۴۶۷	۰.۱۳۷	۰.۹۲۸

معناداری sig به صورت برابر به دست آمد و از آنجا که برای تمامی مؤلفه‌های مورد آزمایش بالاتر از ۰,۰۵ درصد است؛ فرض صفر تایید می‌گردد و رابطه‌ای میان تحصیلات افراد و انتخاب عناصر هویت بخش وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

هویت شهری نیز مانند سایر ابعاد هویت به مرور زمان و به تدریج در حال تغییر است. عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، نقش مهمی در تغییر شکل فضاها و شهرها و عناصر هویتی آن دارند. تغییر سیاست‌های شهری، تصمیم‌ها و برنامه‌های شهرسازی نه فقط محیط فیزیکی و ساختار اقتصادی شهرها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند؛ بلکه موجب تغییر ارزش‌های سنتی، فرهنگی و اجتماعی محیط می‌شوند. این تغییرات اگر به صورت صحیح و اصولی مدیریت نشوند ممکن است منجر به از دست رفتن هویت شهری گردند (Arbak, 2005, p.26). در این راستا شناسایی عناصر و مؤلفه‌های سازنده هویت شهر برای حفظ و پایداری هویت آن ضروری به نظر می‌رسد. هویت شهر تنها تحت تأثیر عناصر فیزیکی و کالبدی نیست؛ بلکه عناصر مادی و معنوی زیادی در هویت شهر نقش ایفا می‌کنند. علاوه بر آن هویت هر شهر جدا از هویت شهروندان آن نیز نمی‌باشد. شهر و شهروند در تعامل با یکدیگر به ایجاد خاطره شهری و بازتولید آن در طی زمان می‌پردازند. یک رابطه مثبت میان شهر و شهروند سلامتی، انرژی، حرکت و زندگی را منعکس می‌کند و منجر به شکل‌گیری حافظه جمعی شهر می‌گردد. این حافظه مخزن احساس، تجربه و تصور شهروند می‌باشد و نقش بسزایی در پیوند گذشته و حال ایجاد می‌کند. از اینرو عنصر حافظه و تصویری که شهروندان و بازدیدکنندگان شهر در ذهن دارند؛ نقش مهمی در ساختار هویتی آن شهر دارد. در این راستا این پژوهش به دنبال سنجش میزان تعلق مکانی ساکنین شهر بآبک و شناسایی عناصر هویتی این شهر صورت گرفت. به منظور گردآوری داده‌ها، دیدگاه‌ها و نظریات ساکنین در قالب جامعه نمونه و با استفاده از پرسشنامه استخراج گردید. در ارتباط با تعلق مکانی ساکنین ۶ گویه مطرح شد. جهت ارزیابی این سؤالات از آزمون لیکرت استفاده گردید. بر این اساس ۴۳,۷ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان علاقه خود به شهر بآبک را متوسط و ۴۵,۸ درصد زیاد اعلام کردند. بر اساس آزمون تاوکندال بی رابطه بین دو متغیر مدت زمان سکونت و تعلق مکانی ساکنین به صورت مثبت وجود دارد. بدین ترتیب که تقریباً ۱۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی افراد) تحت تأثیر متغیر مستقل (مدت زمان سکونت) قرار دارد. جهت سنجش رابطه میان تحصیلات و تعلق مکانی ساکنین از آزمون تاوکندال استفاده شد. در این حالت سطح معناداری sig برابر با ۰,۲۱۵ می‌باشد که بالاتر از سطح معنی‌داری پیش فرض است. در نتیجه بر خلاف تصور، رابطه‌ای میان تحصیلات و تعلق مکانی ساکنین وجود ندارد.

به منظور شناسایی مؤلفه‌های هویتی شهر بآبک ضمن در نظر گرفتن ابعاد مختلف طبیعی، مصنوع و انسانی شهر، با نظرسنجی و مشورت با متخصصان، شانزده مؤلفه فرهنگی، مذهبی، تاریخی، اجتماعی و طبیعی شهر در نظر گرفته شدند. پس از شناسایی مؤلفه‌های هویت‌بخش شهر بآبک در مرحله بعد با استفاده از پرسشنامه اهمیت این عناصر از دید ساکنین مورد ارزیابی قرار گرفت. روستای میمند به دلیل وجهه متمایز تاریخی خود به عنوان مؤلفه هویتی برجسته شهر بآبک از نظر پاسخ‌دهندگان شناخته شد. در کنار میمند، معادن مس و فیروزه قرار می‌گیرند. این معادن به سبب نقش مهمی که در اشتغال و اقتصاد شهر بآبک ایفا می‌کنند؛ حائز اهمیت هستند. البته باید توجه داشت به دلیل توسعه معادن در سال‌های اخیر، بطور خاص معادن مس، شهر بآبک به تدریج در حال گذار از یک شهر کشاورزی و سنتی به یک شهر نیمه‌صنعتی است و این تغییر ساختار چنانچه به درستی کنترل و هدایت نشود، ممکن است منجر به از دست رفتن سایر مؤلفه‌های هویتی شهر مانند عناصر طبیعی، کشاورزی و ... گردد. رودخانه شهر، تل سیاه و تل مصلی نیز جزء مؤلفه‌های کم‌ارزش از دید پاسخ‌دهندگان بودند. رودخانه شهر که به صورت عرضی شهر را به دو قسمت می‌کند، تل سیاه و تل مصلی هر سه به لحاظ موقعیت جغرافیایی از پتانسیل ویژه‌ای برخوردارند. اما عدم توجه و رسیدگی به آنها موجب شده نقش چندان در هویت شهر نداشته باشند. این در حالیست که ملاحظات زیست‌محیطی تأثیرات جدی بر کالبد شهرها خواهند گذاشت که علاوه بر هویت‌بخشی و جاذب بودن، پایداری را برای شهر به ارمغان می‌آورد.

پی‌نوشت‌ها

1.Cronbach's Alpha / 2.Cochran/ 3.Proshansky, Harold M / 4.Norberg Schulz, Christian / 5.Relph, Edward C. / 6.Lynch, Kevin / 7.Kendall's tau-b / 8.Gamma / 9.Somers' d / 10.Lambda

منابع

- پهبزادفر، مصطفی (۱۳۹۰). **هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران**. تهران: موسسه نشر شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹). **سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)**. تهران: آرمانشهر.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۹). **جامعه مدنی و حیات شهری**. نشریه هنرهای زیبا، (۷)، ۳۳-۲۱.
- _____ (۱۳۸۵). **شهر جدید - آستانه‌ای برای تکوین خاطره و حافظه شهری**، هویت شهرهای جدید. اردیبهشت ۱۳۸۴، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.

- حسینی موسی، زهرا (۱۳۸۲). **شهر بابک سرزمین فیروزه**. کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- خناچی، پیروز؛ مهران، مهرداد (۱۳۸۶). **سیاست‌ها، الگوها و نمونه‌های احیاء شده در بافت روستای میمند**. نشریه هنرهای زیبا، (۳۰)، ۵۳-۶۲.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳). (دشت ریواس)، فروردین ۱۳۹۳، ۲۴، www.tasnimnews.com.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). **لغتنامه**. تهران، دانشگاه تهران.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۵). **رویکردی روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید**. هویت شهرهای جدید، اردیبهشت ۱۳۸۴، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- رلف، ادوارد (۱۳۸۹). **مکان و بی مکانی**. (محمد رضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری و زهیر متکی، مترجم). تهران: آرمانشهر.
- صبری، سهیل، مشارزاده مهرابی، زهرا (۱۳۸۵). **جایگاه مفهوم هویت در شهرهای جدید**. هویت شهرهای جدید، اردیبهشت ۱۳۸۴، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- عزیزی، منصور (۱۳۸۳). **تاریخ و فرهنگ شهر بابک**. کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۲). **بی هویتی شهری**. روزنامه اعتماد، تهران.
- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳). **اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی)**. تهران: روزنه.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱). **تئوری شکل شهر**. (حسین بحرینی، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). **طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی**. (فرهاد مرتضایی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- معصومی، محمد حسین (۱۳۸۵). **روستای تاریخی و صخره‌ای میمند شهر بابک**. (اردیبهشت ۱۳۹۳، ۱۴). www.keacheh.blogfa.com.
- معین، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ فارسی**. تهران: سرایش.
- مهندسین مشاور شامند (۱۳۷۹). **طرح جامع شهر شهر بابک (وضع موجود)**.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۲). **هویت شهر (مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها)**. تهران: جهاد دانشگاهی.
- هاگت پیتر (۱۳۷۹). **جغرافیا: ترکیبی نو**. (شاپور گودرزی نژاد، مترجم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- یاراحمدی، امیر (۱۳۷۸). **به سوی شهرسازی انسان‌گرا**. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Arbak, Sebnem, (2005). **An analysis on the transformation of urban identity: case study of Bodrum**. Middel East technical university.
- Lappegard, Ashild, (2007). **Identity and place: a critical comparison of three identity theories**. Architectural Science Review, The university of Sydney.
- Proshansky, H. M. & Fabian A. K. (1987). **The development of place identity in the child**. In C. S. Weinstein & T. G. David (Eds), New York: Plenum Press.
- Van Nes, Akkeli, (2012). **Between Heaven & Earth Christian Norberg-Schulz's Contribution to the Phenomenology of Place & Architecture**. Retrieved 2014, from http://www.arch.ksu.edu/seamon/van_Nes.htm
- Webster, (1988).

Investigation Patterns of Natural Components in the Creation of Urban Identity (case study: Shahr-e-Babak)*

Amineh Zeinali Ghotbabadi** - M.sc, Islamic Azad University, Shahr-e Babak, Kerman, Iran.

Abstract

In recent decades with the development of industry and technology, growth and development of cities are also thriving. Urbanism and architecture today, regardless of climate, culture and geographic location are being formed similarly in different places. The consequences of neglect to the identity of cities include creation of artificial environments and meaningless, reduction of social interaction, and citizens' apathy towards their living environment. In this regard, this study was conducted to identify and analyze the components of Shahr-e-Babak identity. The research method is descriptive-analytical. The data collected through questionnaires were analyzed using SPSS software and statistical methods such as frequency distribution, Tavkndal Bi test, and spearman correlation coefficients. The residents' interest in Shahr-e-Babak was measured using The Likert Scale and in total, 45.8% of respondents had expressed a lot of interest in Shahr-e-babak, which was much higher than expected. In assessing the relationship between the duration of residence and inhabitants' sense of belong to the place, the significance level of Kendall tau-b correlation is 0.00; therefore, the correlation between the two variables is confirmed. On the other hand, Kendall's tau-b correlation coefficient equals 0.191 respectively. This means that the test is based on the relationship between the two variables, as there are positive. Almost 19 percent of the dependent variable (sense of belonging to the place) is affected by the independent variable (the duration of residence). In order to identify the identity component of Shahr-e-Babak and assessing of its significance from the perspective of residents, 19 components in various aspects of natural, physical, cultural, economic, etc. were considered. The results of the evaluation of the importance of identity component of inhabitants' views suggest that Meymand village, copper and turquoise mines are the most significant identity components of Shahr-e-Babak and the lowest percentage is dedicated to City River. In order to consider the relationship between gender and education of residents in selecting identity component, kendall's tau, gamma, and Somer's d were used. In all three tests, the significance level of sig is equal and is more than 0.05; therefore, the null hypothesis is confirmed and there is no relationship between education and identity components.

Keywords: *Shahr-e Babak, Urban Identity, belonging, Place Identity Theories, Urban Identity Components*

* This article have been extracted from the Research Design and Fund of Islamic Azad University of Shahr-e Babak, entitled "Investigating and Analyzing Patterns of Urban Identity (case study: Shahr-e-Babak)", which has been done on May 2014.

** Corresponding Author: zeinali.azad@gmail.com